

درس هشتم – نگاهی به jemals و irgendwann در زبان آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | نوامبر 21, 2018

سلام دوستان

در درس گرامری امروز می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به jemals و همچنین irgendwann در واقع هر دو قید زمان هستند.

نکته مهمی که در مورد jemals وجود دارد اینکه فرهنگ لغت ها زیادی هستند که jemals را به اشتباه ترجمه کرده اند و گاهی باعث می شوند که آدم به اشتباه بیافتد.

اما در ادامه هر دو قید زمان گفته شده را مورد بررسی قرار میدهیم.

معنی jemals به فارسی : یک وقتی ، یک زمانی ، یک موقعی

برای مثال : دیدید در فارسی می گوئیم : من باور نمیکردم که یه وقتی دوباره یا یه موقعی دوباره تو را ببینم ، یا اینکه : او باور نداشت که یک موقعی یا یک وقتی دوباره سلامتی اش را به دست می آورد و کلی مثال دیگه در همین زمینه

از نظر معنایی ما می توانیم jemals را هم معنی با irgendwann بدانیم ، که هر دوی اینها در واقع اشاره به زمانی یا در گذشته و یا در آینده دارند.

irgendwann یک زمانی ، یک وقتی (که این زمان یا وقت می تواند یا در آینده باشه و یا در گذشته) مثل اینکه ما در فارسی بگوئیم : آره من یه وقتی فوتبال بازی میکردم (یه وقتی در گذشته) یا اینکه بگیم : حالا من یک وقتی اون کارهای عقب افتاده را انجام میدهم (یه وقتی در آینده) ، پس بنابر توضیحات گفته شده : کاربرد irgendwann و jemals با هم تا حدود زیادی شبیه است و از نظر مفهومی نیز یکسان هستند ، در ادامه چند مثال در ارتباط با jemals خواهیم زد و پس از آن نیز ، مثال های در مورد irgendwann خواهیم داشت.

چند مثال در ارتباط با jemals

هرگاه jemals را بخواهیم همراه با فعلی در Konjunktiv 2 مورد استفاده قرار بدهیم :

نیاز است قبل از آن معنی jemals wieder به وقتی دوباره ، به موقعی دوباره ، یک زمانی دوباره را بدانیم.

Ich glaubte nicht, dass ich dich jemals wieder sehen könnte

من باور نداشتم که من یک موقعی دوباره تو را بتونم ببینم.

Ich dachte nicht, dass ich jemals nach Paris fahren würde

من فکرش نمیکردم ، که من یک موقعی به سمت شهر پاریس بخواهم بروم (رفتن با وسیله نقلیه)

Sie dachte nicht, dass sie jemals wieder gesund würde

او فکرش نمیکرد ، که یک وقتی دوباره سرحال (سلامت) خواهد شد.

Ich glaubte nicht, dass mein Wunsch jemals erfüllt würde

من باور نداشتم ، که آرزوی من یک وقتی برآورده شود یا محقق شود

نکته : در تفکر فارسی معمولاً گفته می شود : به روزی (یک وقتی ، یک زمانی) اما در تفکر آلمانی همواره (یک وقتی ، یک زمانی) یا jemals , irgendwann می شود. برای مثال در تفکر فارسی میگوییم : باور نمیکردم که یک روزی آرزوم برآورده بشه ، اما در تفکر آلمانی آن گفته می شود : باور نداشتم یا نمیکردم که یک وقتی آرزوم برآورده بشه

نکته : ما می توانیم با کمک حرف ربط dass و همچنین استفاده از دو فعل glauben و denken جملاتی همانند بالا بسازیم ، البته اجباری نیست که این افعال را در گذشته ساده شان ببریم ، بلکه می توانیم در زمان حال و حتی گذشته کامل نیز از آنها استفاده کنیم.

نکته : حروف اضافه فعل glauben و denken همانطور که در دروس verben mit Präpositionen گفته بودم an می باشند ، یعنی ما an چیزی فکر میکنیم یا باور داریم ، حال اگر بخواهیم بگیم به چیزی باور داریم یا به چیزی فکر میکنیم ، آنگاه

daran به آن فکر کردن ، به آن باور داشتن و در نهایت اگر بخواهیم بپرسیم ، به چه چیزی فکر میکنی ؟ یا به چه چیزی باور داری؟ آنگاه می شود **woran**

Woran hast du gedacht?

به چه چیزی فکر میکردی؟

Ich habe daran gedacht, dass ich dich liebe

من داشتم به این فکر میکردم یا به اون فکر میکردم که عاشقتم

Ich denke oft an dich

من اغلب به تو فکر میکنم

در مورد glauben نیز به همین صورت است

نکته : در تفکر آلمانی ما همواره در تو فکر میکنم یا در تو باور دارم اما خب در تفکر فارسی ما همواره می گوییم : به تو فکر میکنم و به تو باور دارم.

Ich habe nie daran gedacht, dass ich jemals die deutsche Sprache unterrichten würde

من هرگز به این فکر نمیکردم ، که به وقتی زبان آلمانی درس بخواهم بدهم.

در فارسی : هرگز فکرش نمیکردم که به روزی (به وقتی) بخوام زبان آلمانی درس بدم

Ich habe nie daran geglaubt, dass ich jemals die deutsche Sprache unterrichten würde

من هرگز به این باور نداشتم ، که به وقتی زبان آلمانی درس بخواهم بدهم.

در فارسی : هیچ وقت باور نمیکردم که به روزی (به وقتی) بخوام زبان آلمانی درس بدم

هرگاه ما بخواهیم jemals را به همراه Konjunktiv 2 استفاده کنیم:

Hast du jemals daran geglaubt, dass die spanische Fußballnationalmannschaft Weltmeister wurde?

آیا تو به موقعی به این باور داشتی که تیم فوتبال اسپانیا قهرمان جهان بشه؟

در فارسی معمولاً گفته می شود : اصلاً فکرش نمی کردی که به روزی (به زمانی) اسپانیا قهرمان جهان بشه؟

Ich glaube nicht, dass die iranische Fußballnationalmannschaft jemals Weltmeister wird

من باور ندارم ، که تیم فوتبال ایران یک زمانی (یک وقتی) قهرمان جهان بشه

من باور ندارم ، که تیم فوتبال ایران به روزی (یک زمانی) قهرمان جهان بشه

Ob ich jemals eine Familie gründen werde, steht noch in den Sternen

اینکه من به روزی (یک وقتی) بخوام تشکیل خانواده بدم ، هنوز در هاله ای از ابهام است.

در تفکر فارسی : معمولاً جملات این شکلی را اینگونه بیان میکنیم : من که باور ندارم ، تیم ملی به زمانی قهرمان جهان بشه یا من فکرش نمی توئم بکنم که تیم ملی ایران به زمانی بتونه قهرمان جهان بشه

حال که به طور کامل jemals را مورد بررسی قرار دادیم ، بد نیست چند مثالی نیز در مورد irgendwann بزنیم که گفتیم هر دو معانی مشابه ای دارند.

اینکه چه زمانی از jemals و چه زمانی از irgendwann استفاده میکنیم؟ در واقع خود آلمانی ها هم نمیدانند ، زیرا هر دو کاربردی یکسان دارند.

Irgendwann habe ich es aufgegeben

یک وقتی من آنرا فهمیدم (پس از فهمیدن آغاز به انجام دادنش کردم)

مثل اینکه چیزی برای کسی روشن نباشد و بعدها آن برایش معلوم شود یا بهش پی ببرد و آنرا بفهمد.

Irgendwann müssen wir alle sterben

همه ی ما باید یک زمانی بمیریم

در فارسی : هممون یه روزی می میریم

Sie hofft, **irgendwann** doch noch die Genehmigung zu erhalten

او (مونث) امید دارد ، یک زمانی آن مجوز یا موافقت را هم اخذ بکند یا دریافت بکند

در تفکر فارسی : او (مونث) امید داره که یه روزی (یک زمانی) اون مجوز رو کسب بکند